

# ۱۰۱ سؤالی که در دهه بیست سالگی

## باید از خود پرسید

در صدقانه بگویم، در دهه سی سالگی هم همین طور

پار انگون

ترجمه هدیہ حامدی



|                     |                                                                                                                                                     |
|---------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | انگوس، پل، ۸۳، ۱-م.                                                                                                                                 |
| عنوان و نام پدیدآور | Anonnc, Paul                                                                                                                                        |
| مشخصات نشر          | ۱۰۱ سؤالی که در دهه بیست، لگو. از خود بپرسید و صادقانه بگوییم، در دهه سی سالگی هم همین طور / پل انگوس ترجمه ه. بنامعی، تهران: کتاب کوله پشتی، ۱۳۶۷. |
| مشخصات ظاهری        | ۲۵۶ص.                                                                                                                                               |
| شابک                | 978-600-461-204-3                                                                                                                                   |
| وضعیت فهرست نویسی   | فیا                                                                                                                                                 |
| یادداشت             | عنوان اصلی: 101 questions you need to ask in your twenties...                                                                                       |
| عنوان گسترده        | صد و یک سؤالی که در دهه بیست سالگی باید از خود بپرسید...                                                                                            |
| موضوع               | جوانان -- ایالات متحده                                                                                                                              |
| موضوع               | Young adults -- United States                                                                                                                       |
| موضوع               | جوانان -- راهنمای مهارت‌های زندگی                                                                                                                   |
| موضوع               | Young adults -- Life skills guides                                                                                                                  |
| موضوع               | راه و رسم زندگی                                                                                                                                     |
| موضوع               | Conduct of life                                                                                                                                     |
| موضوع               | موفقیت                                                                                                                                              |
| موضوع               | Success                                                                                                                                             |
| شناسه افزوده        | جامعی، هدیه، ۱۳۶۵، مترجم                                                                                                                            |
| رده بندی کنگره      | HQ۷۹۹/۷/الف۴ص۸ ۱۳۹۷                                                                                                                                 |
| رده بندی دیویی      | ۳۰۵/۲۴۲۰۹۷۳                                                                                                                                         |
| شماره کتابشناسی ملی | ۵۳۱۲۰۷۵                                                                                                                                             |



## ۱۰۱ سؤالی که در امتحان سالگی باید از خود پرسید

و صادقانه بگوئیم، هر دهه سی سالگی هم همین طور

پل انگرن

ترجمه هدیه جامع

شابک: ۳-۲۰۴-۴۶۱-۶۰-۱۷۸

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸

ویراستار: زهرا جهانفریان

طراح جلد: احمد شهبازی

صفحه‌آرا: آتلیه کوله‌پشتی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نشر کتاب کوله‌پشتی

تلفن: ۶۶۵۹۷۶۱۳-۶۶۵۹۴۸۱۰

پست الکترونیک: [Koolehposhti\\_pub@yahoo.com](mailto:Koolehposhti_pub@yahoo.com)

وبسایت: [www.ketabekoolehposhti.com](http://www.ketabekoolehposhti.com)

اینستاگرام: [ketabekoolehposhti](https://www.instagram.com/ketabekoolehposhti)

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، پلاک ۷، واحد ۱۰۲

کلیه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

## فهرست

- مقدمه: بیهوش شدن ..... ۱۱
- داستان دهه بیست و سی سالگی مان ..... ۱۳
- قدرت و اهمیت سوالات درست ..... ۱۷
- درمان اختلال وسواسی مقایسه کردن ..... ۲۰
- روش خواندن این کتاب ..... ۲۱
- چطور با بیهوشی خودم شدم؟ ..... ۲۳
۱. بهترین راه برای به هم زدن با خودم چیست؟ ..... ۲۵
۲. آیا به هر دری ..... منم که معلوم نشود با سیلی صورتم را سرخ نگه می دارم؟ ..... ۳۱
۳. چه جور دوستانی دارم؟ دوستانی که مثل کوله پشتی جهشی هستند و کمک می کنند پرواز کنم یا دوستانی که مثل سبزه ها هستند و مدام مرا روبه پایین و به جایی شبیه یک زیرزمین تاریک می کشانند؟ ..... ۳۲
۴. اگر قرار باشد به دنبال رازهای بزرگ برم، آیا حاضرم سوار ماشین هوندا سیویک هاشبک ۱۹۹۳ شوم که پانزده سال است به فرمان خودکار دارد، نه کولر و نه آینه بغل؟ ..... ۳۵
۵. آیا روزهای تاریکی پیش رویم قرار دارد؟ ..... ۳۸
۶. آیا عشق ورزیدن ناشی از احساس ناامنی است یا احساس قدرت؟ ..... ۴۱
۷. آیا من آن روی عکس هایی که افراد در اینستاگرامشان می کنند را می بینم؟ (منظورم آن رویی است که از آن عکس نمی گیرند). ..... ۴۳
۸. چطور می توانم در راه رسیدن به هدفی عمداً و با برنامه ریزی بیست و یکم را گم کنم؟ (بدون آنکه سر از دره های تنگ و تاریک با حشراتی خون خوار و درآورم و ارزو که به کسی از جایی که بودم تکان نمی خوردم چون آنجا حداقل امن و امان بود). ..... ۴۶
۹. آیا واقعاً گم کردن راه مزایایی هم دارد؟ ..... ۵۰
۱۰. آیا واقعاً باید این عکس را پست کنم؟ ..... ۵۲
۱۱. تمام اطلاعاتی که درباره ازدواج دارید هنگام ازدواج دود می شود و به هوا می رود. بنابراین بهترین راه برای دانستن اینکه چه زمانی آمادگی ازدواج دارید چیست؟ ..... ۵۳
۱۲. یکی از بهترین راه های فراموش کردن مشکلات این است که به دیگران کمک کنی مشکلاتشان را فراموش کنند و یکی از بهترین راه های داشتن آینده نگری این است که فراتر از

- خودت را ببینی. بنابراین، از خودت بپرس: امروز به چه کسی می‌توانم کمک کنم؟ تعداد کسانی که به کمک احتیاج دارند کم نیست. .... ۵۶
۱۳. آیا تابه‌حال به بقیه گفته‌ام کجا می‌روم؟ ..... ۵۷
۱۴. چطور می‌توانم تصمیم بگیرم وقتی نمی‌دانم چه انتخابی باید داشته باشم؟ ..... ۶۰
۱۵. ترس از چه چیزی مرا از انجام کاری باز می‌دارد؟ آیا ارزشش را دارد؟ ..... ۶۳
۱۶. اگر با همین کسی که هستم مشکلی نداشتم زندگی‌ام چه شکلی می‌شد؟ ..... ۶۵
۱۷. دلیل اصلی من چیست؟ ..... ۷۰
۱۸. منته محوری داستان من کجاست؟ ..... ۷۲
۱. تا ۵ تا: بزرگ‌ترین موفقیت‌های من چه هستند؟ ..... ۷۳
۲۰. چه بانی بقیه را در سرزنده‌ترین حالت ممکن دیده‌اند؟ ..... ۷۴
۲۱. وقتی بی‌گردد و بزرگ‌ترین موفقیت‌هایم نگاه می‌کنم، به‌نظرم چه کاری انجام می‌دادم که به‌کارم معنا می‌بخشد؟ چه نیازهایی را برآورده می‌کردم؟ ..... ۷۵
۲۲. تا ۵ تا: مشکلی که بر آنها غلبه کرده‌ام چه هستند؟ ..... ۷۸
۲۳. سختی‌ها و مشکلاتم چه چیز در مورد هدفم به من نشان می‌دهند؟ ..... ۷۹
۲۴. جدا از شکست‌ها و موفقیت‌هایم، سایر نیازهایی که دوست دارم برطرفشان کنم چه هستند؟ ..... ۸۴
۲۵. به‌جای اینکه آخر شب‌ها سعی کنم بزرگ‌ترین مشکلات زندگی‌ام را که مثل مه‌ای عظیم مرا در خود می‌بلعند حل کنم بهتر نیست کار مفیدتری بکنم؟ مثلاً بخوابم. خدا که صبح را از من نگرفته. .... ۸۵
۲۶. چطور حتی وقتی احساس ناامیدی می‌کنم به انجام کارهایم شش و امیدوارکننده ادامه دهم؟ ..... ۸۶
۲۷. آیا برای کشتن موشی که در خانه‌ام است خودم مرگ‌موش می‌خورم؟ ..... ۹۱
۲۸. شبکه‌های اجتماعی، بسته به استفاده‌ای که از آنها می‌کنیم، می‌توانند مثل شرکت در یک مهمانی مزخرف باشند که در آن همه فقط نگاهت می‌کنند و حرفی نمی‌زنند یا اینکه می‌توانند معنا و مفهوم خاصی داشته باشند. از یک تا ده به فعالیت خود در شبکه‌های اجتماعی چه نمره‌ای می‌دهی؟ ..... ۹۴
۲۹. آیا می‌توانم به خودم بخندم؟ ..... ۹۷

۳۰. ازدواج مثل رانندگی است؛ حتی اگر روی صندلی جلو نشسته باشید باز هم نمی‌دانید توی کاپوت چه خبر است. چرا عده‌ای ازدواج موفق دارند، درحالی‌که عده‌ای دیگر هنوز به بزرگراه نرسیده چپ می‌کنند؟ ..... ۹۸
۳۱. آیا سخت کار می‌کنید، اما کار کردن با شما راحت است؟ ..... ۱۰۳
۳۲. آیا آن قدر شجاع هستم که بخوام متفاوت باشم و غیر معمولی به نظر برسم؟ ..... ۱۰۴
۳۳. چطور می‌توانم از اینترنت دل بکنم و با انسان‌های حقیقی ارتباط برقرار کنم؟ ..... ۱۰۷
۳۴. چطور می‌توانم با بقیه بهتر ارتباط برقرار کنم؟ ..... ۱۰۹
۳۵. عورت‌ها استرس و نگرانی‌ام مبارزه کنم؟ ..... ۱۱۵
۳۶. انحراب و نگرانی‌ام چه نکاتی را به من گوشزد می‌کنند؟ ..... ۱۱۷
۳۷. ازدواج مثل حمیور ری است؛ هرچه دو رنگ متفاوت بیشتر باهم ترکیب شوند، تشخیص دادر بکارد دیگر سخت‌تر خواهد شد. آیا دلم می‌خواهد با کسی که با او در رابطه‌ام ترکیب شوم؟ (یا دلم می‌خواهد همچنان به قرار گذاشتن با او ادامه دهم؟) ..... ۱۲۰
۳۸. آیا به این درک رسیدم که خواب‌بودن بسیار عمیق‌تر و فراتر از ظاهر است؟ ..... ۱۲۱
۳۹. عشق چیست؟ ..... ۱۲۲
۴۰. آیا باید این سؤال را بپرسم که «آیا منی عالانه است؟» ..... ۱۲۶
۴۱. آینده شغلی‌ام چگونه است و یک شغل موفق چه شکلی است؟ ..... ۱۲۸
۴۲. آیا رؤیاهای بزرگ دارم اما در عمل کوچک‌ترین امیدم ندارم؟ ..... ۱۳۲
۴۳. چطور می‌توانم فتیله‌ام را روشن نگه دارم و اجازه ندم بهش بریزد و آن را از هردو طرف بسوزاند؟ ..... ۱۳۴
۴۴. آیا من کسی را در «تیم رؤیایی‌ام» دارم؟ ..... ۱۳۸
۴۵. آیا من در اطرافم آدم‌های منتقد، بدبین و منفی‌باف یا واقع‌گرا دارم که تمام تلاشان را می‌کنند تا مرا از هدفم دور کنند؟ ..... ۱۴۰
۴۶. چطور جلوی حجم اطلاعات و سرگرمی‌هایی که هر پنج ثانیه یک‌بار سرریز می‌شوند و باعث می‌شوند پول ناهارم هدر برود را بگیرم؟ ..... ۱۴۲
۴۷. آیا اقداماتی که می‌کنید در راستای اهدافتان هستند؟ آیا رفتارتان با آنچه به‌زبان می‌آورید یکی است؟ ..... ۱۴۸
۴۸. آسایش و چالش باهم جور در نمی‌آیند. آیا من به دنبال یک شغل چالش‌برانگیز هستم یا یک شغل آسان؟ ..... ۱۵۰

۴۹. موفقیت در انجام کاری برای اولین بار بسیار راحت تر از نگه داشتن همان موفقیت است؛ بنابراین سؤال اینجاست که چرا موفقیت های بزرگ کوتاه مدت، کوتاه مدتند؟ ..... ۱۵۱
۵۰. آیا مثل گربه ای که داخل توالتش می خوابد من هم دارم زیر دوش ناامیدی خودم را غرق می کنم؟ ..... ۱۵۴
۵۱. آیا من کسی هستم که کاری را خلق می کند یا فقط غر می زند؟ ..... ۱۵۸
۵۲. چطور می توانم گوش ترسم را بگیرم و بیپچانم و تهدیدش کنم؟ ..... ۱۶۰
۵۳. آیا روزم را با آگاهی و با فکر جلو می برم یا بدون فکر؟ ..... ۱۶۴
۵۴. امروز چطور می توانم مدل ذهنی نویسنده را تمرین کنم؟ ..... ۱۶۵
۵۵. امروز چطو، می توانم مدل ذهنی محقق را تمرین کنم؟ ..... ۱۶۶
۵۶. امروز چطور می توانم مدل ذهنی کارآفرین را تمرین کنم؟ ..... ۱۶۷
۵۷. امروز چطور می توانم مدل ذهنی راهب را تمرین کنم؟ ..... ۱۶۸
۵۸. آیا کم کم دارم درخواست های نرصادفی زندگی ام را تشخیص می دهم؟ ..... ۱۷۱
۵۹. آیا خودم را در موقعیت های قرار می دهم که بتوانم با افراد جدید ملاقات کنم و رابطه ای جدید را آغاز کنم؟ ..... ۱۷۴
۶۰. از انجام ندادن چه کاری پشیمان خواهم شد؟ ..... ۱۷۷
۶۱. اگر تسلیم شوم فرصت کمک به چه کسی را از دست می دهم؟ ..... ۱۷۸
۶۲. چطور می توانم ۷۷٪ مطمئن باشم و به راهم ادامه دهم؟ ..... ۱۸۱
۶۳. پنج مورد از ارزش های اصلی ام چه هستند؟ ..... ۱۸۲
۶۴. آیا ارزشی دارم که در حال حاضر آن را در زندگی ام به کار می آورم؟ چرا؟ برای رفع این مشکل چه باید کنم؟ ..... ۱۸۵
۶۵. چه کسی بیش از همه الهام بخش من است؟ ..... ۱۸۷
۶۶. آیا ارزش های اصلی ام سایر ارزش هایم را کنار زده و آنها را وادار به عقب نشینی کرده اند؟ ..... ۱۸۸
۶۷. آیا وقتی در کنار دوستم هستم، خودم هستم؟ ..... ۱۹۰
۶۸. آیا دوست یا شریک زندگی ام مرا به سمت نسخه ای بهتر و اصیل تر از خودم هدایت می کند؟ ..... ۱۹۱
۶۹. همه ما طی سال ها تحت آموزش های ارتباطی گسترده ای قرار می گیریم که به آن کودکی گفته می شود. اعضای خانواده من چطور باهم ارتباط برقرار می کردند؟ دوستان خانواده من چطور باهم

- ارتباط برقرار می‌کردند؟ و آیا من و دوستم تحت‌تأثیر راه‌های ارتباط برقرار کردنی که دیده و یاد گرفته ایم باهم ارتباط برقرار می‌کنیم؟ ..... ۱۹۳
۷۰. آیا دیوهای رابطه‌ام را کنار زده‌ام؟ ..... ۱۹۴
۷۱. آیا در قرارهایی که باهم داشته‌ایم درباره آینده‌ای که می‌خواهیم داشته باشیم باهم صحبت کرده‌ایم؟ اینکه ازدواجمان چطور خواهد بود؟ (یا اگر با کسی در رابطه نیستیم اما می‌دانم بعدها این اتفاق خواهد افتاد، به‌نظرم یک ازدواج خوب و سالم چه شکلی خواهد بود؟) ..... ۱۹۶
۷۲. اگر بخوایم با خودم و رابطه دوستی‌ام واقعاً صادق باشم باید از خودم بپرسم آیا به شریک زندگی‌ام کاملاً اعتماد دارم؟ ..... ۱۹۷
۷۳. تاریخچه و داستان خانواده من چیست؟ ..... ۲۰۰
۷۴. هرکس میراث من را به خود می‌گذارد، میراث من چه خواهد بود؟ ۲ تا ۳ میراثی که دوست دارم از من برای خانواده‌ام، خانواده آینده‌ام و یا جامعه‌ام باقی بماند کدامند؟ ..... ۲۰۲
۷۵. ۲ تا ۳ میراثی که من خواهم آنها را ازین ببرم و باقی نگذارم چه هستند؟ ..... ۲۰۳
۷۶. اگر فرزندان خوش‌فنا و باترین من بیشتر می‌خواهیم باید والدین خوش‌رفتار و باترین بیشتری داشته باشیم. من درست دارم چطور پدر یا مادری باشم؟ ..... ۲۰۴
۷۷. آیا قلعه شنی بزرگسالی‌ام را خراب نمی‌کنم با اقیانوس نمی‌سازم؟ ..... ۲۰۵
۷۸. آیا من زندگی‌ام را به همان شکل می‌گذرانم که هست می‌بینم؟ ..... ۲۰۸
۷۹. آیا رویاهایم را اگر و گاه گرفته‌ام تا باج بدهم؟ ..... ۲۱۰
۸۰. در یک روز کاری معمول، درصد ترس، تحمل و عقوبت چه اندازه است؟ ..... ۲۱۵
۸۱. اگر الان این کار را انجام بدهم، بعدها چه احساسی از انجام دادنش خواهم داشت؟ ..... ۲۱۹
۸۲. سه تا پنج داستان (کتاب، فیلم، تئاتر، وقایع تاریخی) مورد علاقه من چیست؟ ..... ۲۲۰
۸۳. آیا می‌توانم شباهت‌هایی در این داستان‌ها با داستان زندگی خودم ببینم؟ ..... ۲۲۱
۸۴. خلق یک اثر جدید، شجاعت در برابر روال عادی زندگی است. من چه چیزی می‌توانم خلق کنم؟ ..... ۲۲۲
۸۵. هدر دادن زمان فراغت به شدت گران تمام می‌شود. من کجا و برای چه کاری بیشترین زمان را هدر داده‌ام؟ ..... ۲۲۵
۸۶. قدم درست بعدی‌ام چیست؟ ..... ۲۲۶
۸۷. آیا توسط کسی راهنمایی و مشاوره می‌شوم؟ آیا خودم یک راهنما و مشاور هستم؟ ..... ۲۲۷
۸۸. چطور می‌توانم به کسی که دوست دارم یا او ملاقات کنم دسترسی پیدا کنم؟ ..... ۲۳۱

۸۹. شخصی که می‌خواستیم با او ارتباط برقرار کنیم جواب ایمیلیم را داده. حالا باید چه کنیم و قدم بعدی چیست؟ ..... ۲۳۴
۹۰. آیا مسیر شغلی‌ام باعث شکل‌گیری زندگی دلخواهم خواهد شد؟ اگر بعد از این سؤال فکر انجام کارهای ریستان تا ۱۵ سال بعد، حالتان را تاحدی به هم زد، این اصلاً نشانه خوبی نیست. .... ۲۳۶
۹۱. آیا به‌خاطر سن و سالم، در محل کار در مورد قضاوت‌های کلیشه‌ای می‌شود؟ اگر این‌طور است، برای حل این موضوع باید چه اقدامی بکنم؟ ..... ۲۳۷
۹۲. سه مورد از موارد ضروری در زندگی و حرفه‌ام چیست؟ ..... ۲۳۹
۹۱. دلیل اینکه هنوز نتوانسته‌ام شغل رؤیایی‌ام را پیدا کنم این است که هنوز نتوانسته‌ام آن را خلق کنم و به بیرون بیاورم؟ ..... ۲۴۰
۹۴. موفقیت در دنیای بیست و سی سالگی به مقاومت، تواضع و بسیاری صفت‌های دیگر که اصلاً مربوط به خدا نیست، ظاهر می‌شود بستگی دارد. آیا چشم‌اندازی از موفقیت در آینده برای خودم ساخته‌ام؟ ..... ۲۴۲
۹۵. گاهی اوقات احساس ناامیدی می‌کنم؛ چطور خودم را امیدوار نگه دارم؟ ..... ۲۴۳
۹۶. آیا باید این سؤال را از خودم بپرسم که «پنج سال بعد کجا و در حال انجام چه کاری خواهم بود؟» یا باید بپرسم «پنج سال بعد می‌توانم به چه چیزی دست پیدا کنم؟» ..... ۲۴۵
۹۷. در مدت زمانی که منتظرم تا آنچه برای انجام دادنش به دنیا آمده‌ام را انجام دهم، باید چه کاری انجام دهم؟ ..... ۲۴۷
۹۸. بدترین اتفاقی که ممکن است رخ دهد چیست؟ ..... ۲۴۹
۹۹. بهترین اتفاقی که ممکن است رخ دهد چیست؟ ..... ۲۵۱
۱۰۰. اگر بتوانم نصیحت‌ها و پیشنهادهای برای فرزندانم بنویسم که در دهه بیست سالگی شان آنها را بخوانند، آن نصیحت‌ها چه خواهند بود؟ ..... ۲۵۲
۱۰۱. اگر الان نه، پس کی؟ ..... ۲۵۳

## مقدمه: بیهوش شدن

از روی تپه‌ای بلند روبه پایین سر خوردم؛ درحالی که لباس بیسبال تنم بود با صورت روی چمن‌ها و بوته‌ها فرود آمدم و بیهوش شدم.

وضیتم، نه قطعاً برای یک بعدازظهر شنبه فوق‌العاده است.

من سجام؟ آیا کسی با چوب بیسبال نوی سرم زده؟

درحالی که به روش‌های یکسری سؤالات به ذهنم هجوم آورده بودند.

چه شد که این اتفاق افتاد؟

می‌بینید، تا پانزده دقیقه قبل تیم بیسبال دانشگاه کنار زمین نشسته بودم. من در

ترکیب اصلی نبودم، بنابراین روز نیمکت ذخیره‌ها نشسته بودم تا ببینم چطور مثل

هر هفته توسط تیم حریف تحسین و رقرار می‌گیرم و می‌بازیم.

برای گفتن این نکته که تیم بیسبالمان خیلی ضعیف بود هیچ راه مؤدبانه دیگری

جز این بلد نبودم.

از آنجایی که هر شنبه دو بازی انجام می‌دادیم، برای تیم حریف

پشت سرهم و بی‌وقفه امتیاز می‌گرفت، شنبه‌ها برایم یک روز دل‌کننده بود. هر

شنبه، درحالی که سایر دوستانمان کنار ساحل بودند (چون قطعاً دلشان

نمی‌خواست با تماشای بازی ما خودشان را در موقعیتی زجرآور رقرار نگذارند)

دهند) ما کنار زمین بازی می‌نشستیم و تا ساعت‌ها به بدبختی و اندوه خودمان زل

می‌زدیم.

وقتی روی نیمکت نشسته‌ای-همان‌طور که آن روز شنبه من با کلی تجهیزات

نشسته بودم-احتمال اینکه دیر یا زود توپ بیسبال به سمتت پرتاب شود بسیار

بالاست؛ موقعیتی که باید از آن فرار کنی.

زمین بیسبال، بالای دره کم عمقی قرار داشت که به آن دره باریک ماریچی می گفتیم، دره‌ای که پوشیده از گیاهان مختلف از جمله گیاهان خودروی کالیفرنیا و درختان اوکالیپتوس بود و رودخانه‌ای هم از میان آن عبور می کرد. تلاش برای پیدا کردن توپ پرت شده در چنین جایی شبیه تلاش یک کاشف برای پیدا کردن شهر طلای افسانه‌ای است. اما خوب، وقتی گزینه دیگر تماشای باخت دوباره تیمت با اختلاف ۲۰ امتیاز شد چاره‌ای جز اینکه با پشتکار زیاد به دنبال توپ بروی نداری!

در آن شبیه شوم، درحالی که می دیدم توپ پرت شده دارد از بالای سرمان به سمت دره باریک ماریچی عبور می کند، فریاد زدم؛ عقل و جسم آماده فرار از آن منطقه بود. این نکته را هم بگویم که در صورتی شانس پیدا کردن چنین توپی را پیدا می کنی که بتوانی محل فرود آمدنش را ببینی، یا اینکه به صخره‌ای برخورد کند و به هوا پرتاب شود. بنابراین درحالی که چشمم به توپ پرتاب شده روی هوا بود به سرعت زیر سایه بان چوبی رفتم که درست روی لبه دره قرار داشت و بوم... همه چیز جلوی چشمم هلاک شد.

من روی لبه پرتگاه، درحالی که گیج و سردرگم شده بودم، مثل ماهی‌ای که مورد اصابت پارو قرار می گیرد بیهوش روز زمین افتادم.

وقتی به هوش آمدم، بلند شدم و دست‌هایم را مشت کردم. از خودم در برابر کسی که به من حمله کرده بود دفاع کنم، اما درحالی که مثل کودکی که سعی می کند برای اولین بار روی پاهایش بایستد بلند می شدم، هیچ کس را در اطرافم نمی دیدم. می توانستم سروصدای بازی بیسبال را از بالای تپه بشنوم، اما کسی را نمی دیدم. بنابراین درحالی که برگ‌ها و علف‌ها به یونیفرم چسبیده بودند، مثل اسیران جنگی‌ای که خود را از طناب نجات هلیکوپتر آویزان می کنند آرام آرام از تپه بالا رفتم.

گیج و سردرگم بودم و تنها چیزی که می توانستم به آن فکر کنم یک سؤال بود:

چه اتفاقی افتاده؟